

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

انجنیر سید مختار دریا

۰۳ فبروری ۲۰۱۹



قصه شب

دوش در خلوتم اندیشه گیسوی تو بود
شمع می سوخت چو از آه دلم آگه بود
عشوه ها بود نهان در خم ابروی کج
لب جانبخش تو یک ساغر مرد افکن داشت
مرمر آن تن پر پیچ و خم و ناز و ادا
دور افکنده حجاب از تن و اندر بر من
با هزاران روش عشوه گری بستی دوش
جز نفس نیست که بر هم بزند چتر سکوت
داده دریا دل و دین در گرو حور و شی
تا سحر قصه آن جعد سمنبوی تو بود
سرو باغ دل من قامت دلجوی تو بود
ککش این دل عاشق همه اش سوی تو بود
چشم آهو و ش تو حلقه جادوی تو بود
خفته در بستر و غالیه در موی تو بود
سینه ام دشت خرام و رم آهوی تو بود
آن لبی را که شکایت گر آن خوی تو بود
چون لبث روی لبم بود و نگه سوی تو بود
گرد صحرای جنون محو نگاپوی تو بود

"مختار دریا" کانادا ۲۰۱۵